

بررسی نیازهای اساسی در شخصیت ویس با استفاده از نظریه انتخاب ویلیام گلاسر

وجیهه ترکمانی باراندوزی*

چکیده

توجه و دقت در ابعاد روحی و روانی شخصیت‌های داستان و بهره‌گیری از نظریه‌های روان‌شناختی، همواره یکی از شیوه‌های محققان ادبی برای واکاوی شخصیت‌ها و نمایاندن هرچه دقیق‌تر قدرت و مهارت آفرینندگان آثار بوده است.

در این پژوهش سعی شده است تا شخصیت ویس، در منظومه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، با استفاده از "نظریه انتخاب" ویلیام گلاسر، روان‌شناس معاصر، به صورت توصیفی و تحلیلی تحت بررسی قرار گیرد. طبق نظریه انتخاب، ریشه تمام رفتارهای فرد از درون او و برای ارضای نیازهای پنج‌گانه‌اش نشئت می‌گیرد (نیاز به عشق، بقاء، قدرت، تفریح و استقلال). به این ترتیب، پرسش اصلی تحقیق این است که ویس تحت تأثیر کدام نیازهای اساسی به انتخاب‌های متهورانه دست زده است؟ به عبارتی، کدام نیازهای اساسی در وجود ویس بالاتر از نیازهای دیگر بوده که او را به انجام چنین رفتارهایی سوق داده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد از بین همه نیازها، به ترتیب نیاز به بقاء، نیاز به عشق و صمیمیت، و نیاز به آزادی، در وجود او بالاتر از دیگر نیازها نمایان است. بعد از این نیازها، نیاز به قدرت و سپس نیاز به تفریح قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: نظریه انتخاب، گلاسر، ویس و رامین، نیازهای پنج‌گانه، ویس، ابعاد روحی انسان.

*استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد چالوس torkamani.vajihe@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۳

فصلنامه مطالعات و تحقیقات ادبی، سال ۱۲، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۱-۵۲

Investigating the Basic Needs in Vis's Personality Using William Glasser's Choice Theory

Vajihe Torkamani Barandoozi *

Abstract

Attention to the spiritual and psychological dimensions of the characters of the story using psychological theories has always been one of the methods of literary researchers to analyze the characters and show the capability and skill of the creators of the works as accurately as possible. In this descriptive and analytical research, using the "Choice Theory" of the contemporary psychologist, William Glasser, an attempt has been made to study the personality of Vis in "Vis and Rāmin" collection of poetry of Fakhruddin As'ad Gurgani. According to the choice theory, the root of all behaviors of a person emanates from one's within and to satisfy one's five fundamental needs (the need for love, survival, power, fun, and freedom). Thus, the main question of the research is that under the influence of which of the fundamental needs did Vis make bold choices? In other words, which of Vis's fundamental needs were stronger than the other needs that led him to engage in such behavior? The findings showed that among the fundamental needs, the need for survival, the need for love and belonging, and the need for freedom were stronger in him than the other needs, respectively. Next after these needs are the need for power and the need for fun.

Keywords: Glasser's Choice Theory, Vis and Rāmin, Five Needs, Vis, Fundamental Needs.

* Assistant Professor in Persian Language and Literature at Islamic Azad University of Chalous, torkamani.vajihe@gmail.com

۱. مقدمه

منظومه غنایی ویس و رامین از شاهکارهای ادبیات داستانی عاشقانه است که فخرالدین اسعد گرگانی در قرن پنجم آن را به نظم فارسی درآورده است. "ویس" پررنگ‌ترین شخصیت در میان شخصیت‌های این منظومه است که از همان کودکی ذوق استقلال و "انتخاب" در او پیداست. شخصیت ویس در این اثر به قدری زنده و ملموس است که امروزه به خوبی از پس قرن‌ها می‌توان سیمای روشن او را مجسم کرد و ابعاد روحی و روانی او و دلایل رفتارهای او را از دیدگاه‌های مختلف به‌ویژه نظریه‌های روان‌شناختی تحت بررسی قرار داد. در میان نظریه‌های متعدد روان‌شناسی، "نظریه انتخاب گلاسر"، با تبیین نیازهای اساسی و بنیادین انسان، سعی در بررسی رفتارهای افراد و در نتیجه بهبود روابط انسان‌ها با یکدیگر دارد. مهارت فخرالدین اسعد در آشکار کردن تصویری زنده و پویا و کاملاً باورپذیر از شخصیت ویس، باعث شده تا او مانند همه انسان‌های عادی و کاملاً زمینی با انواع نیازهای فردی و درونی در طول داستان آشکار شود. البته، میل به استقلال و انتخاب در وجود ویس، او را از گردن نهادن به خواسته دیگران و مغلوب سرنوشت شدن بازداشته و به پویایی و فعالیت واداشته است. ویژگی کنشگری و فعال بودن شخصیت با نظریه‌های برجسته در حوزه روان‌شناسی، از جمله نظریه انتخاب ویلیام گلاسر، قابل بررسی است. دلیل منطقی این نظریه این است که مردم در زندگی به انتخاب دست می‌زنند و انتخاب‌ها زندگی را هدایت می‌کند.

۱.۱. بیان مسئله و پرسش‌های پژوهش

علم روان‌شناسی و ادبیات غنی زبان فارسی در کنار هم این امکان را به ما می‌دهد که آثار منثور و منظوم شاعران را از منظر روان‌شناسی هدف تحلیل قرار دهیم. ویس به دلیل سرنوشت عجیبی که دارد در میان زنان نام‌آشنای شعر فارسی بی‌بدیل است. البته، علاوه بر سرنوشت شگفتی‌آور او، نحوه رویارویی او با حوادث و اتفاقات زندگی‌اش از او شخصیتی ویژه ساخته است (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۷۷: ۹۵). در این پژوهش برآنیم تا علت انتخاب‌های ویس را، با دقت در نیازهای درونی او، مطابق با نظریه انتخاب گلاسر، بررسی کنیم. این پژوهش درصدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

– ویس، به‌مثابه انسانی که از همه ویژگی‌های انسانی برخوردار است، چه نیازهای بنیادین و اساسی‌ای دارد؟

- چه عواملی باعث ارضانشدن نیازهای اساسی و طبیعی ویس و در نتیجه رفتارهای هنجارشکنانه او برای برآوردن نیازهای فردی و درونی شده است؟
- مهم‌ترین نیازهای نادیده‌گرفته‌شده ویس چه بوده‌اند؟
- نقش اطرافیان در روند ارضای نیازهای طبیعی و بنیادین ویس چه بوده است؟

۲.۱. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی انواع نیازهای درونی انسان با تمرکز بر شخصیت ویس در منظومه ویس و رامین با توجه به نظریه انتخاب گلاسر است. علاوه بر این، اهداف جزئی تحقیق به شرح ذیل‌اند:

- شناسایی و تبیین نیازهای بنیادین ویس با استفاده از نظریه انتخاب گلاسر.
- بررسی عوامل اثرگذار بر ارضانشدن نیازهای اساسی ویس و سوق دادن او به انتخاب رفتارهای هنجارشکنانه برای ارضای نیازهای طبیعی.
- بررسی نقش عوامل و شخصیت‌های تأثیرگذار در نحوه اقدام ویس برای ارضای نیازهای درونی.

۳.۱. روش تحقیق

این پژوهش نظری با رویکرد روان‌شناختی به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام می‌شود. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از منابع مکتوب در زمینه ادبیات و روان‌شناسی به بررسی نیازهای اساسی شخصیت ویس بر مبنای نظریه انتخاب ویلیام گلاسر در منظومه داستانی ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی بپردازد. اطلاعات و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۴.۱. پیشینه تحقیق

تاکنون، محققان آثار متعددی درباره شخصیت ویس در منظومه ویس و رامین به رشته تحریر درآورده‌اند؛ با این‌همه، تحقیقی مستقل با رویکرد بررسی نیازهای اساسی شخصیت ویس انجام نگرفته است. از جمله آثار تحقیقی با رویکرد روان‌شناختی در بررسی شخصیت ویس می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

نویسندگان مقاله «نان در دو داستان تریستان و ایزوت و ویس و رامین»، علیرضا شادآرام و همکاران (۱۳۸۸)، کوشیده‌اند ضمن بررسی و تطبیق شخصیت‌های زن دو داستان، وجوه مشترک و نیز تفاوت‌های دو افسانه را با اشاره به تفاوت‌های فرهنگی آثار بررسی کنند.

افسانه خاتون آبادی در مقاله «مضمون عشق و منش قهرمانان در ویس و رامین» (۱۳۷۷) با بررسی و تحلیل ویژگی‌های قهرمانان این منظومه، پنج عشق برجسته در این منظومه را، که با معیارهای اخلاق جامعه نامنطبق‌اند، واکاوی کرده است. از دیگر مقالاتی که با نگاهی نقادانه درباره شخصیت ویس به رشته تحریر درآمده، مقاله اسلامی‌ندوشن (۱۳۵۵) است که با عنوان «آیا ویس و رامین یک منظومه ضد اخلاق است؟» در کتاب جام جهان‌بین (۱۳۷۰) منتشر شده است.

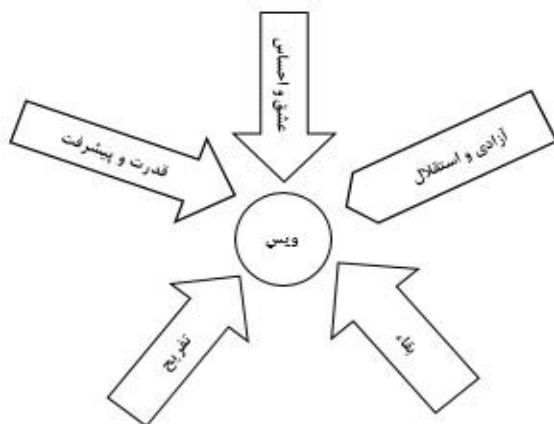
۲. نظریه انتخاب گلاسر

نظریه انتخاب «توضیح می‌دهد که افراد چرا و چگونه رفتار می‌کنند» (گلاسر، ۱۳۹۴: ۱۰). طبق این نظریه، هر آنچه از ما سر می‌زند رفتار است. غذا خوردن، خشمگین شدن، افسرده شدن و... رفتارند. به اعتقاد گلاسر، همه رفتارها از درون ما برانگیخته می‌شوند و معطوف به هدفی هستند و هدف هر رفتار، ارضای یکی از نیازهای روان‌شناختی شامل نیاز به بقا، عشق و احساس تعلق، قدرت و ارزشمندی، آزادی و اختیار و تفریح است (همان). نظریه انتخاب، به گروه روان‌شناسی‌های کنترل درونی تعلق دارد؛ یعنی منشأ رفتار آدمی را از درون می‌داند و نه از بیرون و محیط (گلاسر، ۱۳۹۷: ۷).

نیاز عبارت است از نیروی زیست‌شیمیایی در مغز که توانایی‌های عقلانی و ادراکی را سازمان می‌دهد. امکان دارد نیازها از فرآیندهای درونی مانند گرسنگی یا تشنگی یا از رویدادهای موجود در محیط ناشی شوند. نیازها سطحی از تنش را به وجود می‌آورند که ارگانسیم سعی می‌کند با ارضاکردن آنها آن را کاهش دهد. نیازها رفتار را نیرومند و آن را هدایت می‌کنند. آنها رفتار را در مسیر مناسب برای ارضاکردن نیازها فعال می‌کنند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ۶۵۰).

طبق نظریه انتخاب، وقتی افراد در ارضای نیازهای خود ناکام می‌مانند، رفتار خاصی را انتخاب می‌کنند تا شاید از طریق آن نیازهایشان را برآورده کنند. این رفتارها هدفمند است و ارضای نیازهای مطلوب را دنبال می‌کند (گلاسر، ۱۳۹۴: ۱۰).

در این مقاله، پنج نیاز اساسی (عشق و احساس تعلق، بقا، قدرت یا پیشرفت، آزادی و تفریح) در شخصیت ویس، طبق دیدگاه ویلیام گلاسر تحلیل می‌شود. این نیازها را می‌توان به صورت نمودار نشان داد:



۳. بحث و بررسی

در بین عرائس شعر فارسی هیچ‌یک به اندازه ویس عینی و مجسم نیست، به گونه‌ای که «می‌توان او را به عنوان وجودی واقعی، نه آرمانی، پذیرفت. زنی واقعی با نیازهای واقعی» (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۷: ۲۴). این داستان صرفاً ماجرای عاشقانه نیست، بلکه «برای بیان احساسات انسانی از عشق و دوستی و مکاره و نامرادی‌ها و هر چه روح آدمی را متأثر می‌کند پرداخته آمده» است (صورتگر، ۱۳۴۸: ۱۷۷). طبق نظریه انتخاب، رفتارهای هر انسان انتخاب‌های او در جهت ارضای نیازهایش است. یکی از نیازهای مهم و اساسی هر انسان در طول زندگی، نیاز به بقا و صیانت از ذات است. تفاوت شیوه بیان سراینده داستان با دیگر سرایندگان و نیز طرح پاره‌ای مسائل روانی از سوی فخرالدین اسعد گرگانی، سبب برجستگی و سرآمدی این اثر در میان آثار منظوم داستانی شده است (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۷۷: ۱۰۵). بررسی شخصیت ویس در منظومه فخرالدین اسعد نیاز به بقا و جلوه‌های متعدد آن را در شخصیت ویس به خوبی نمایان می‌کند.

۳.۱. نیاز به بقا

اهمیت انواع نیازها برای هر فرد متفاوت است. دقت در سیر داستان ویس و رامین نشان می‌دهد که نیاز ویس به بقا بسیار قوی است و همین نیاز قوی به بقا، او را به تلاش سرسختانه در مسیر ارضای نیاز به عشق و صمیمیت و نیز دیگر نیازهایش وامی‌دارد. طبق روایت

فخرالدین اسعد، ویس در خانواده‌ای مرفه دیده به جهان گشود و از همان ابتدای زندگی به دست دایه سپرده شد. دایه او را در منطقه خوزان به صد ناز و نعمت پرورد:

ز دیبا کرد و از گوهر همه ساز بپرورد آن نیازی را به صد ناز
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۴۷)

با ماجراهایی که در ادامه داستان برای ویس رقم می‌خورد، شاهد ظهور نیاز به عشق و احساس تعلق و غلبه آن بر نیازهای دیگر به‌منزله نیازی اساسی هستیم که در مسیر ارضای نیاز به بقا و کامل شدن آن است. ویس در ماجرای برملاشدن عشق خود به رامین در حضور موبد زبان به اعتراف باز می‌کند و به داشتن رابطه گناه‌آلود خود با رامین صحه می‌گذارد. درواقع، ویس با این رفتار حاضر میشود به‌خاطر ارضای نیاز به عشق و صمیمیت، نیاز به بقای خود را به خطر اندازد؛ زیرا «نزدیکی و صمیمیت مستلزم شجاعت است و از خطرپذیری در آن گریزی نیست» (می، ۱۳۹۲: ۱۸).

سخن‌ها راست گفتی هرچه گفتی نکو کردی که آهو نانهفتی
کنون خواهی بکش خواهی برانم وگر خواهی برآور دیدگانم
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۳۳)

دقت در فراز و فرودهای داستان و نیز دقت در رفتارهای ویس جلوه‌های متعدد نیاز به بقا را در مراحل مختلف زندگی او نشان می‌دهد:

۳.۱.۱. آستانه بلوغ و جست‌وجوی ارضای نیاز به بقا یا صیانت ذات

لحظه به‌دنیای آمدن، نیازهای اولیه او مانند نیاز به آب و غذا و سرپناه و... به خوبی برآورده شده است. در آستانه بلوغ آرام‌آرام نیازهای جنسی‌اش آشکار می‌شوند. در پی سربرآوردن این نیاز، دایه ویس به‌سرعت درصدد بازگرداندن ویس به نزد مادرش شهرو برمی‌آید و طی نامه‌ای گلایه‌آمیز این‌گونه از این نیاز درونی ویس پرده برمی‌دارد:

کنون بررُست پیش من به صد ناز به پرواز اندر آمد بچه باز
همی ترسم که گر پرواز گیرد به کام خود یکی انباز گیرد
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۵۰)

۳.۱.۲. تلاش برای مصون‌ماندن از خشم موبد

به اذعان محققان علم روان‌شناسی، گاهی رخدادهای دوران کودکی به ظهور برخی نیازها در بزرگسالی می‌انجامد. از همین روی است که «موری معتقد بود که رویدادهای کودکی می‌توانند بر ایجاد نیازهای خاص تأثیر بگذارند و بعدها در زندگی آن نیازها را فعال کنند. او این تأثیر

را فشار نامید؛ زیرا یک موضوع یا رویداد محیطی به فرد فشار می‌آورد تا به صورت خاصی رفتار کند» (شولتز و شولتز، ۱۳۹۲: ۶۵۳).

در طول داستان، برادر کهتر شاه موبد، رامین، می‌کوشد به کمک دایه ویس، نظر او را به خود جلب کند، اما ویس، که به دلیل سلطه‌جویی و خودکامی شاه موبد به فراق برادر و محبوبش ویرو دچار آمده و به این ترتیب در راه ارضای نیاز شدید خود به عشق با مانعی جدی روبه‌رو شده است. هنگامی که به واسطه دایه از عشق رامین به خود آگاه می‌شود، تا مدت‌ها در موقعیت تعارض باقی می‌ماند. گفتنی است تعارض از دیدگاه روان‌شناسان «حالتی است که به هنگام ناتوانی در تصمیم‌گیری به ارگانسیم دست می‌دهد. به سخن دیگر، تعارض زمانی به وجود می‌آید که ارگانسیم نتواند از دو شیء یا از دو موقعیت یکی را انتخاب کند» (گنجی، ۱۳۸۴: ۱۲۷). ویس بعد از مدت‌ها قرار گرفتن در حالت تعارض، سرانجام می‌تواند به این حالت روانی خود غلبه کند. او سرانجام بین دوراهی انتخاب میان دوری از گناه و رابطه ممنوع یکی را برمی‌گزیند.

البته، طبق روایت فخرالدین اسعد، از آنجاکه ویس از خشم و هیبت شاه موبد و غیرت او به خود آگاه است، برای حفظ جان خود و دایه، و در حقیقت به دلیل نیاز شدید خود به بقا، به دایه تأکید می‌کند که باید این راز پوشیده باقی بماند تا بلا سر نجنباند و جانشان به خطر نیفتد:

اگر روزی برد بر من گمانی
از او ما را به جان باشد زبانی
همی تا این سخن باشد نهفته
بود بر ما بلا را چشم خفته
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۲۶)

۳.۱.۳. گریز از دام سوگند شاه موبد

با آنکه نیاز ویس به بقا تحت تأثیر نیازهای دیگر او قرار دارد، ویس در نادیده‌گرفتن نیاز خود به بقا به دلیل ارضای نیاز به عشق و صمیمیت، در مواقع خطر جانب احتیاط را نگاه می‌دارد. او در اقرار به عشق رامین تا آنجا پیشروی می‌کند که با خطر مرگ روبه‌رو نشود. برای نمونه، با آنکه بارها به خاطر انتخاب عشق ویرو و بعدها رامین در برابر فرستاده موبد و نیز خود موبد زبان به اعتراض و اعتراف بازمی‌کند و آشکارا از موبد پیر بیزار می‌شود، اما آنجا که موبد از او می‌خواهد که برای اثبات پاک‌دامنی و نداشتن رابطه با رامین سوگند بخورد و از آتش بگذرد، نیاز به بقا ویس را بر آن می‌دارد تا به هم‌دستی و چاره‌جویی دایه با رامین از کاخ موبد بگریزد:

بیا تا پیش ازین کاومان بخواند
 ورا این راستی در دل بماند
 پس آنکه دابه را گفتا چه گوئی
 وزین آنش مرا چاره چه جوئی
 (همان، ۱۵۴: ۲۶-۲۷)

آنچه ویس را به گریز از دام مرگ‌آور شاه موید برمی‌انگیزد، نیاز به صیانت از ذات است.

۴. نیاز به احساس تعلق و عشق

علاوه‌بر نیاز به بقا، که در ژن‌های موجودات زنده تعریف شده است، نیاز به احساس تعلق در ژن انسان‌ها و موجودات تکامل‌یافته وجود دارد. به‌دلیل همین نیاز، انسان‌ها «می‌آموزند دست به دست هم دهند و به‌مثابه یک واحد عمل کنند» (وولبدینگ، ۱۳۹۵: ۴۷).

دقت در شخصیت ویس نشان می‌دهد نیاز به عشق و احساس تعلق او در مواجهه با "ویرو" و "رامین"، با نیاز به بقا درهم می‌آمیزد؛ این حالت همان چیزی است که موری آن را آمیختگی نیازها می‌نامد.

۴.۱. احساس تعلق و محبت به مادر، برادر و زادگاه

به‌اعتقاد گلاسر، مهم‌ترین نیاز در عمل نیاز به عشق و احساس تعلق است: «چراکه نزدیکی و پیوند با افرادی که برایمان مهم‌اند، پیش‌نیاز ارضای دیگر نیازهاست» (گلاسر، ۱۳۹۶: ۲۶). احساس تعلق قوی ویس به نزدیکانش در ماجرای رویارویی با فرستاده شاه موید به‌خوبی آشکار است. او در پاسخ به فرستاده موید چنین می‌گوید:

بسازم با برادر چون می و شیر
 نخواهم در غریبی موید پیر
 (اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۵۸)

ویس، آن‌گاه که در اثنای جشن ازدواجش با ویرو، ناگاه پیغام موید را از زبان فرستاده او "زرد" می‌شنود و از معاهده شهره با موید در دادن دختر به‌دنیاآمده به او آگاه می‌شود، شجاعانه رودرروی فرستاده شاه می‌ایستد و شاه موید و رسم باژگونه مرویان را در طلب زن شوی‌مند، به‌شدت می‌نکوهد:

که زردا زرد باد آن کت فرستاد
 بدین فرزانیگی و دانش و داد
 به مرو اندر شما را باشد آیین
 چنین ناخوب و رسوا و بنفرین
 (اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۵۷)

تا قبل از پیداشدن موید در زندگی ویس، نیازهای اساسی او برآورده می‌شود و او آرام در مسیر زندگی در جهت ارضای نیازهای درونی خود گام برمی‌دارد. پس در پی پیشنهاد مادر

برای ازدواج با ویرو، به راحتی این پیشنهاد را می‌پذیرد و عشق همسری را با مهر برادری درهم می‌آمیزد و هیچ‌گونه رفتار غیرطبیعی‌ای نشان نمی‌دهد. محبت و دوستی متقابل ویس و ویرو، عشقی آرام و نجیبانه بین دو خویش بوده است که بزرگ‌ترها پیوند آنان را مصلحت دیده بودند (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۸). آشکار است که اگر پیوند ویس و ویرو سرانجام می‌یافت، نیاز به عشق و احساس تعلق ویس برآورده و ارضا می‌شد و به‌هیچ‌روی حوادث شگفت‌آور بعدی رخ نمی‌داد. اما داستان زندگی ویس به‌گونه‌ای دیگر رقم خورد. شاه موبد پیر به زندگی ویس پا می‌نهد و با ظهور او، ویس از خویشان و نزدیکانش دور می‌افتد و به زندگی و ازدواج اجباری در غربت‌سرای مرو محکوم می‌شود. از همین‌رو است که بعدها ویس نزد دایه از قطع رابطه با عزیزان و اطرافیانش، که سخت خود را نیازمند آنها می‌دید، شکوه سر می‌دهد:

منم از خان و مان خویش برده غریب و زار و دل بر تیر خورده...
 به درد مادر و فرخ برادر تنم در موج دریا دل بر آذر
 (اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۹۰)

همچنان‌که از سیر داستان برمی‌آید نیاز به احساس تعلق در وجود ویس همچنان تا قبل از دیدار با رامین پابرجاست. درواقع، هنگامی که احساس نیاز به عشق از طرف ویس به ویرو و نزدیکانش با زورگویی‌های شاه موبد سرکوب می‌شود، نتیجه این کشمکش‌های احساسی به‌تعبیر روان‌شناسان «نفرت، خشم و خشونت است که تکانه‌های پرخاشگری را همراهی می‌کنند» (فروید، ۱۳۸۹: ۳۸). ویس ناخواسته می‌کوشد در آن موقعیت رفتارهایی را انتخاب کند که بتواند تا آنجا که قادر است دنیای بیرونی و نیز خود را به‌منزله جزئی از این دنیا کنترل کند. در یک نگاه کلی، نظریه انتخاب «بر این دیدگاه استوار است که رفتارهای هر انسان انتخاب‌های او برای ارضای نیازهایش است. این رفتارها بیشتر از انگیزه‌های درونی ریشه می‌گیرند تا عوامل و محرک‌های بیرونی» (گلاسر، ۱۳۹۵: ۳۵۸). رفتار ویس در مراسم ازدواج با موبد، همانند سوگواران است. او در میان انبوه زنان بزم، همانند فردی ماتم‌زده، به طرزی جانکاه می‌گرید و می‌خروشد و چنان ناله و آه سر می‌دهد که همه زنان حاضر را متأثر می‌کند:

شه شاهان نشسته شاد و خرم ولیکن ویس بنشسته به ماتم
 به زاری روز و شب چون ابر گریان همه دل‌ها به دردش گشته بریان
 (اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۸۵)

مطابق نظریه انتخاب در این بخش از داستان، ویس تلاش می‌کند دنیای پیرامون و محیط و اطرافیان را به قالب تصاویر ذهنی خود درآورد. ویس، که از ربوده شدن به دست موبد، پیوند اجباری با او و اقامت در مرو به شدت ناراحت و خشمگین است و از طرفی قادر نیست اوضاع را تغییر دهد، می‌کوشد به شیوه‌ای خاص رفتار کند. از این رو، در اولین گام، در مراسم جشن و سرور پیوند با موبد، سوگوارانه رفتار می‌کند و عیش را به کام موبد تباه می‌سازد و در ادامه نیز می‌کوشد احساس بیزاری، کینه‌جویی دائمی و رفتارهای انحرافی خود نسبت به شاه موبد را هرچه بیشتر و پررنگ‌تر نمایان کند. این رفتارهای ویس برآمده از احساس اوست که به ادعان روان‌شناسان «عبارت است از ارزش‌دادن و بهایخشیدن به موضوعات و عواطف درونی از قبیل ترس، خشم، تنفر، خوشحالی و غم، به‌خصوص عشق» (دلخوش‌نواز، ۱۳۶۹: ۹۶).

۴.۲. احساس تعلق و عشق به ویرو

زندگانی ویس از ابتدا تا فرجام با تار و پود عشق درهم تنیده است. از نظر گلاسر، عشق‌ورزی از سوی انسان هیجانی دائمی است. او بر آن است که: «ژن‌های عشق و احساس تعلق خواستار آن‌اند که عشق‌ورزیدن را در تمام طول عمر خود حفظ کنیم؛ توقعی که در دنیای کنترل بیرونی برآورده‌کردنش بسیار دشوار است» (گلاسر، ۱۳۹۴: ۷۵). ویس در بهار جوانی به پیشنهاد مادرش به کابین برادر خود، ویرو، درمی‌آید و بر آن است تا با تمام وجود این عشق را حفظ کند. ویس تحت‌تأثیر این نیاز درونی به هنگام رویارویی با فرستاده موبد و شنیدن پیغام او، موبد را می‌نکوهد و ادعان می‌کند که با وجود ویرو، که هم برادری شایسته و هم شویبی برنا و زیباست، به عشق موبد ناپسندیده سالخورده نیازی ندارد:

مرا تا هست ویرو در شبستان
 نباشد سوی مروم هیچ دستان
 (اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۵۸)

گفتنی است ازدواج با محارم یا خویات ودث (khvaetyadatha) در ایران باستان مرسوم بوده و به‌هیچ‌وجه زنا محسوب نمی‌شده است. این نوع ازدواج‌ها معمولاً برای حفظ پاکی نسب و محافظت از امتیازات طبقاتی انجام می‌گرفت؛ چراکه به تصریح محققان، در آن روزگار «جامعه ایرانی بر دو رکن قائم بود: مالکیت و خون» (کریستن‌سن، ۱۳۸۶: ۴۲۴).

۵. نیاز به عشق رامین

ویس پس از پیوند اجباری با موبد، حاضر به جایگزین کردن تصویر سرزمین مرو و کاخ شاهانه آن با تصویر زادگاه و عزیزانش نمی‌شود:

نه مرو است این، که بوم تن‌گداز است
نه شهر است این، که چاه شست‌باز است
نگارستان و باغ و کاخ شهوار
مرا هستند همچون دوزخ تار
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۰۶)

موبد، که با وجود پیری و سالخوردگی برای تصاحب ویس جشن پیوند ویس و ویرو را برهم زده، در برابر مردم سرزمین ویس لشکر آراسته و در بحبوحه جنگ، قارن پدر ویس را کشته و خود او را ربوده و با خود به مرو آورده است، در دنیای مطلوب ویس هیچ‌جایی ندارد. طبیعی است که در دل ویس طوفانی از نفرت و بیزاری علیه موبد به راه بیفتد، نفرتی که می‌توان آن را «احساس خشم فروخورده، دردها و رنج‌های انکارشده و ناکامی در برآوردن نیازها دانست» (مک‌ماهون، ۱۳۸۹: ۲۵۳).

جهان زو شاد و او از مهر غمگین
به گوشش آفرین مانند نفرین
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۹۱)

ویس در این وضعیت به هیچ‌وجه حاضر نمی‌شود به‌جای تصویر محبوبش ویرو تصویر موبد سالخورده را جایگزین کند، مردی که عشق او را تا آنجا از خرد دور کرده که به‌تعبیر روان‌شناسان می‌توان گفت «خود را در آیینۀ جمع نمی‌بیند و واکنش‌های دیگران را در برابر اعمال و رفتار خود ملاحظه نمی‌کند» (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۰۷). آشکار است که برای ویس در آن موقعیت، تنها تصویر ممکن از مرد محبوبش، فقط ویرو می‌تواند باشد:

چو با ویرو بدم خرمای بی‌خار
کنون خارم که خرما ناورم بار...
چو او را بود ناکامی به فرجام
مبیناد ایچ‌کس دیگر ز من کام
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۸۸)

از این‌رو است که در ادامه، ویس برای تحت کنترل نگه‌داشتن اوضاع نامطلوب خود و نیز جلب کمک دایه، نشانه‌های افسرده‌بودن را بروز می‌دهد، پس در پاسخ به پندهای دایه برای مهرورزی با موبد می‌گوید:

جوابش داد ویس ماه‌پیکر
که گفتار تو چون تخمی است بی‌بر
دل من سیرگشت از بوی و از رنگ
نپوشم جامه نشینم به اورنگ
(همان، ۸۸)

همان‌گونه که گلاسر اشاره می‌کند: «وانمودکردن به افسردگی کردن به‌رغم رنجی که به همراه دارد احتمالاً بهترین و مؤثرترین روش برای تحت کنترل درآوردن دیگران خواهد بود» (گلاسر، ۱۳۹۵: ۳۷۶). البته، ویس در این بخش از زندگی‌اش فقط به اظهار افسردگی بسنده

نمی‌کند، بلکه رفتارهای دیگری نیز انتخاب می‌کند و اینجاست که خشم نیز به‌منزله رفتاری انتخاب‌شده در او مجال ظهور پیدا می‌کند؛ پس، به هم‌دستی دایه موبد را طلسم و راه کام‌جویی او از خود را سد می‌کند:

پس آنکه روی و مس هردو بیاورد
به آهن هردوان را بست بر هم
طلسم هریکی را صورتی کرد
به افسون بند هردو کرد محکم
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۹۳)

تا قبل از دیدار با رامین، تصویر ویرو در نظر ویس یگانه‌تصویر ممکن از مردی است که او را دوست دارد. این نکته در گفت‌وگوی ویس با دایه، زمانی که دایه او را به دوستی با رامین می‌انگیزد، آشکار است:

مرا او نیست درخور گرچه نیکوست
نه او بفریدم هرگز به دیدار
برادر نیست گرچه همچو و پروست
نه تو بفریبی‌ام هرگز به گفتار
(همان، ۱۰۹)

طبق نظر گلاسر، انسان‌ها برای ارضای نیازهای فطری‌شان، تصاویری در ذهن خود می‌آفرینند. آنها، همپای برآوردن نیاز خود، تصاویری را از مردم، اشیاء یا رویدادها جمع می‌کنند. این تصاویر به قول گلاسر در «آلبوم تصاویر شخصی در ذهن انسان‌ها جمع می‌شوند» (گلاسر، ۱۹۸۵: ۲۱).

در طول داستان، با کنشگری ویس و نقش‌آفرینی درخور توجه او، ویس به وساطت دایه رامین را ملاقات می‌کند و با ایجاد تغییر در یکی از تصویرهای مهم دنیای مطلوب خود، به‌جای تصویر ویرو، رامین را جایگزین می‌کند تا به این طریق تا حدودی به آرامش برسد و راه زندگی‌اش را تغییر دهد:

چو نیک اندر رخ رامین نگه کرد
وفا و مهر ویرو را تبه کرد
(همان، ۱۲۲)

شخصیت کاملاً پویا و فعال ویس آزادی، قدرت عمل، شجاعت، گستاخی، و میل او را به انتخاب رفتارهای جسورانه در پی دارد. می‌توان گفت تلاش ویس برای ایجاد تغییر در تصاویر ذهنی و انتخاب رامین برای عشق‌ورزی، به‌تعبیر برخی محققان، نتیجه برخورداری ویس از روحیه زیباپرستی و خوش‌باشی است که از ویژگی‌های مهم ویس در این منظومه است (شادآرام و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

ویس، طبق نظریه انتخاب، با دل‌باختن به رامین می‌کوشد برای ارضای نیاز خود به عشق و صمیمیت، تصویر رامین را به دنیای مطلوب خود وارد کند. البته، ایجاد این تغییرات در دنیای مطلوب، برای ویس کار آسانی نیست؛ چراکه در آغاز آشنایی با رامین، در دنیای مطلوب خود بین گروه تصاویر موجود در ذهنش دچار تعارض می‌شود.

ویس سرانجام موفق می‌شود این تغییر را ایجاد کند؛ زیرا «خوشبختانه تصاویر یا خواسته‌های دنیای مطلوب، علاوه‌براینکه منحصربه‌فرد، پویا و گاهی مغایر هم‌اند، اما پاک‌شدنی نیز هستند» (ووبلدینگ، ۱۳۹۵: ۶۷). درباره این انتخاب ویس می‌توان گفت این جابه‌جایی در چارچوب پیوند بین خویشان، مانند پیوند خواهر با برادر می‌تواند به‌شمار آید، که به‌تصریح محققان در میان ایرانیان باستان معمول بوده و جزء سنت‌های نیک شمرده می‌شده است (دورانت، ۱۳۶۵: ۴۲۳). ویس، با جابه‌جا کردن تصویر رامین به‌جای ویرو، که به‌تصریح سراینده داستان با او به یک‌جا در نزد دایگان خوزانی پرورش یافته بود (ر.ک: اسعدگرانی، ۱۳۷۷: ۴۹؛ ابیات ۱-۱۲) و به‌نوعی برادر رضاعی او می‌توانست به‌شمار آید، او را جایگزین برادر هم‌خون و حقیقی خود می‌کند (خاتون‌آبادی، ۳۷۷: ۳۴).

علاوه‌بر تصویر خویشاوندان بسیار نزدیک، تصاویر دیگری نیز وجود دارد. به‌نظر می‌رسد سراینده منظومه، تحت‌تأثیر سنت و باورهای دینی روزگار خود، صفات ستوده و نیک زنانه مانند حیورزی و شرمگینی و نیز پای‌بندی به عقاید دینی را در آلبوم تصاویر ذهنی ویس جای داده است. به‌همین دلیل، ویس در بحبوحه انتخاب عشق رامین، به‌جهت سلطه باورهای دینی بر ذهنش، در انتخاب عشق رامین تردید می‌کند و بارها با دایه به‌خاطر چنین پیشنهادی به‌تندی سخن می‌راند:

مرا شوخی و بی‌شرمی می‌آموز که بی‌شرمی زنان را بد کند روز...
هم آلوده شوم در ننگ جاوید هم از مینو بشویم دست امید
(اسعدگرانی، ۱۳۷۷: ۱۰۹)

با این‌همه، ویس عشق رامین را انتخاب می‌کند و می‌کوشد پاسخ همه نیاز خود به عشق را در وجود رامین بیابد. از این‌روست که هرگز روابط عاشقانه با رامین را ترک نمی‌کند، حتی وقتی که لازم است درباره رامین تجدیدنظر کند، باز هم خود را ناگزیر از ادامه رابطه با او می‌یابد. در اینجا، سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگر ویس به اشتباه خود در برقراری رابطه با رامین پی برده است، چرا از رامین روی برنمی‌گرداند؟ در پاسخ باید گفت نیاز اساسی ویس

نیاز به مهرورزی، وفاداری و وابستگی است. او می‌خواهد پاسخ این نیاز خود را در وجود رامین بیابد، ولی چنین نمی‌شود. بالین‌همه، همچنان پای‌بندی به رامین را حفظ می‌کند. در واقع، ویس با آنکه به‌خوبی دریافته بود که رامین چندان به او پای‌بند نیست، این رنج را تاب می‌آورد و از او روی برنمی‌گرداند.

۶. آزادی

ویلیام گلاسر درباره آزادی معتقد است که نیاز به آزادی نیازی تکاملی است که هدفش ایجاد توازن و تعادل بین توانایی ما برای انتخاب و تلاش دیگران برای تحمیل خواسته‌هایشان بر ماست (گلاسر، ۱۳۹۴: ۸۶).

نمایش استادانه فخرالدین گرگانی در به‌تصویرکشیدن رفتار ویس نشان می‌دهد که چگونه ویس در وضعیت سخت محیطی با استمداد از خلاقیت، البته نه از نوع سازنده بلکه از نوع مخرب آن، قادر می‌شود نیاز به آزادی خود را همچنان برآورده کند. نیاز شدید ویس به آزادی و سرکوب‌شدن این نیاز در پی سلطه‌گری و زورگویی موبد، سبب انحرافات اخلاقی ویس و روی آوردن او به رفتارهای هنجارشکنانه در جبران این ناکامی می‌شود.

۱.۶. روی آوردن به حفظ آزادی درونی برای جبران آزادی سلب‌شده در انتخاب همسر

ویس در ابتدای ورود به قصر به‌ظاهر در کاخ موبد و در کنار او زندگی می‌کند، ولی همچنان دل در گرو عشق نخستین خود دارد، پس با آنکه در کنار موبد سر به بالین می‌نهد اما به‌جای موبد، با ویرو در رؤیاهای شبانه‌اش نرد عشق می‌بازد (ر.ک: اسعدگرگانی، ۱۳۷۷: ۱۰۷-۱۰۶). در این داستان، نیاز ویس به انتخاب همسر و شریک زندگی مناسب برای خود، با سلطه‌گری موبد سرکوب و نادیده گرفته می‌شود. این نادیده‌گرفته‌شدن برای ویس در واقع «حس آکنده از خفت و شرمساری برای اوست و در آن علاوه‌بر محرومیت، شک و بددلی نیز وجود دارد» (غنیمی هلال، ۱۳۹۳: ۸۶). ویس در ابتدای این رخداد واکنش اندوه‌خوردن و افسردگی را در مواجهه با موبد، به‌منزله واکنشی بیرونی، انتخاب می‌کند:

هرآن‌گاهی که موبد را بدیدی به‌جای جامه تن را بردیدی
نه گفتاری که او گفتی شنودی نه روی خوب خود او را نمودی
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۸۵)

سپس، تحت تأثیر تحریکات دایه، به هم‌دستی او، به واکنش‌های عملی روی می‌آورد. ویس به چاره‌گری و فسونکاری دایه موبد را طلسم می‌کند و راه کام‌طلبی موبد از خود را می‌بندد؛ سپس، بعد از تعارض‌های فراوان با تصاویر دنیای مطلوب ذهنی خود، به کمک دایه، رابطه غیراخلاقی با رامین برقرار می‌کند و ملاقات‌های پنهانی مکرر با او ترتیب می‌دهد و در نهایت به تحریک و چاره‌اندیشی دایه، رامین را برای اقدام به توطئه و غارت گنج موبد برمی‌انگیزد:

کنون کن گر توانی کرد کاری که زین بهتر نیایی روزگاری
(اسعدگرگانی، ۱۳۷۷: ۳۵۲)

و در پایان، به‌همراه رامین، که توانسته بود با کشتن زرد، برادر ناتنی خود، بر گنج شهوار و بیکران موبد دست یابد، از کاخ شاه موبد می‌گریزد و با این اقدام، تا پایان حیات، از سلطه موبد رهایی می‌یابد:

نشاندن ویس را در مهد زرین چومه به میان هفت اورنگ و پروین
شتر در پیش و استر ده‌هزاری نبد دینار و گوهر را شماری
(همان، ۳۶۱)

۶.۲. آزادی بیان و احساسات

در طول داستان، نخستین جلوه‌های میل به بیان و اظهار آزادانه و بی‌قیدوشرط عقیده از سوی ویس در اعتراض‌های او به مادرش شهرو به هنگام آگاهی از پیمان شهرو با موبد بر سر فرزند به‌دنیانیامده آشکار شده است:

بر او زد بانگ و گفتا چه رسیدت که هوش و گونه از تن بر پریدت
ز هنجار خرد دور او فتادی چو رفتی دخت نازده بدادی
(همان، ۵۶)

از دیگر نمودهای بیان آزادانه احساسات ویس، به نگارش نامه‌های ده‌گانه در ماجرای رنجیدن رامین از ویس و گریختن از نزد او و رفتن به گوراب و پیوند با گل، دختر رفیدا، می‌توان اشاره کرد (ر.ک: اسعدگرگانی، ۱۳۷۷: ۲۳۶-۲۴۵).

روان‌شناس معروف، فروید، معتقد است که هنرمند با پناه‌بردن به خلاقیت به‌طور موفقیت‌آمیزی از دنیای واقعیت گریخته و با لذت و آرامش حاصله از خلاقیت هنری قادر به مواجهه با دنیای واقعی می‌گردد. در روانکاوای فروید نوشتار (نوشتن) مثل رؤیا زمینه‌ای برای بازیافتن کشمکش‌های روانی و آرزوها و ترس‌های سرکوفته و ناهوشیار نویسنده آن است (یاوری، ۱۳۷۴: ۲۳).

ویس، آن‌گاه که از پیوند رامین با گل، دختر رفیدا، آگاه می‌شود، ابتدا با دادن پیغام به‌وسیلهٔ دایه و سپس با نوشتن ده نامهٔ پی‌درپی به‌طرزی مؤثر و زیبا به یادآوری عشق زیاد رامین به خود در روزگار وصال می‌پردازد. در ادامه، به‌روشنی از رنج و درماندگی خود در فراق رامین، پرده برمی‌دارد و آزادانه احساساتش را به زبان می‌آورد. نکتهٔ درخور توجه در این نامه‌ها، هنرنمایی سرایندهٔ داستان است که به‌طرزی استادانه، گاه با التزام برخی واژه‌های خاص و تکرار متوالی آنها در چندین بیت، بر زیبایی سخن افزوده و با این تکرارها، پافشاری و تأکید ویس عاشق را بر بازگشت رامین نمایان‌تر کرده است و درواقع با این نامه‌ها بیش از پیش عشق ویس به رامین و نیاز شدید او به مهرورزی را فریاد زده است.

۷. نیاز به قدرت

در میان انواع نیازهای انسان، نیاز به قدرت متمایز و شاخص است. قدرت به‌معنایی که انسان‌ها دنبال آن هستند، یعنی قدرت برای قدرت، خاص نوع انسان است (گلاسر، ۱۳۹۴: ۸۱).

در بررسی شخصیت ویس در طول داستان، به‌روشنی می‌توان نیاز شدید او به قدرت را دریافت. نیاز ویس به قدرت از همان ابتدای نوجوانی برجسته و درخور تأمل است. اولین نشانه‌های نیاز ویس به قدرت، در ماجرای رویارویی با فرستادهٔ شاه موبد آشکار است: آن‌گاه که "زرد"، برادر شاه موبد، نامه و پیغام موبد را به گوش شهرو می‌رساند، ویس با مشاهدهٔ سیمای بهت‌زده و بیمناک شهرو او را می‌نکوهد و خود با زرد گفت‌وگو می‌کند. جالب‌توجه آنکه ویس، پس از آگاهی‌یافتن از ماجرای عهد و پیمان شهرو با موبد، درست برخلاف شهرو، با آسوده‌دلی و خویشتن‌داری، زرد و آیین مردم مرو را در طلب زن شوی‌مند نفرین می‌کند و به موبد پیغام می‌دهد که چنانچه بعد از این باز هم به چنین تهدیدهایی مبادرت ورزد، با خشم و اقدام عملی ویرو مواجه خواهد شد:

به نامه بیش از این ما را مترسان
مکن ایدر درنگ و راه برگیر
که داریم این سخن با باد یکسان
که ویرو هم کنون آید ز نخگیر
(گرگانی، ۱۳۷۷: ۵۷)

در واقع، ویس در تمام مراحل که با تهدید روبه‌رو است، انسانی خویشتن‌دار است و «علی‌رغم کمبودها، خودپذیر و طبیعت‌پذیر بوده و از احساس ایمنی برخوردار است و به‌آسانی تهدیدپذیر نیست» (نیکزاد و مهرآرا، ۱۳۷۲: ۲۴۶).

سرانجام، ویس، بعد از افروخته شدن شعله‌های جنگ بین برادر و پدرش با موبد، به تملک موبد درمی‌آید، ولی ایستادگی و صلابت سخن و اظهار شهامت او، که دختر جوان نآزموده‌ای است، در برابر فرستاده موبد، از احساس قدرت فراوان او حکایت دارد.

۱.۷. واداشتن اطرافیان به همسویی با خواسته‌های خود

در منظومه ویس و رامین، احساس بیزاری ویس از موبد و تلاش‌های سلطه‌جویانه موبد برای تحمیل خود بر ویس، باعث جدال ویس با موبد بر سر به‌دست‌گرفتن کنترل رابطه می‌شود. ویس دایه را با خود همراه می‌سازد و راه کام‌جویی موبد از خود را سد می‌کند:

به راه شادی اندر گشت گمراه ز خوشی دست کامش گشت کوتاه
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۹۴)

سپس، در ادامه نزع با موبد، برگزیدن عشق ممنوع و رابطه با رامین، برادر موبد را برمی‌گزیند و به هرکاری دست می‌زند تا موبد را به پذیرش انتخاب خود وادارد. می‌توان بر آن بود که نیاز ویس به احساس خودارزشمندی از اوان کودکی، ابتدا با کم‌مهری مادرش و بعدها در ماجرای ناکامی‌اش در عشق به ویرو، در پی دخالت و کنترل شدید و زورگویی‌های موبد، خدشه‌دار شده است. ویس در پی جبران این ناکامی‌ها و شکست‌ها، رفتارهایی را به نمایش می‌گذارد که اطرافیان را مجبور کند با او همراه شوند. ویس برای کاستن از رنجی که شهرو و موبد با خودخواهی و سلطه‌گری بر او تحمیل کرده‌اند، با هم‌دستی دایه، به خواست و اراده خود وارد رابطه ممنوع با رامین می‌شود و تلاش می‌کند تصاویر ذهنی‌اش را به‌شیوه مطلوب خود تغییر دهد و برای جبران این نیاز ارضاننده، متهورانه در برابر موبد ایستادگی می‌کند تا او را وادار کند تسلیم شود و خواستش را بپذیرد.

وجود این نیاز قوی سبب می‌شود که ویس، در ادامه، به‌دلیل ایستادگی بر عشق رامین، در برابر تنبیه‌های شدید بدنی و حبس و مجازات مقاومت نشان دهد و حتی پند و اندرزهای ویرو برای منصرف کردن او از عشق به رامین اثری نداشته باشد.

۲.۷. به‌هم‌خوردن رابطه با رامین

از جمله اتفاقات مهم و حادثه‌ساز داستان ویس و رامین، رفتار ناسنجیده ویس در یکی از دیدارهایش با رامین است. از آنجاکه نیاز ویس به قدرت، بیشتر و قوی‌تر از نیاز رامین به قدرت است، سرانجام این ویژگی به رابطه عاشقانه او با رامین نیز آسیب می‌زند. ویس ناخواسته در اثنای یکی از دیدارهای مخفیانه خود با رامین، با وجود نیاز شدید به عشق، تحت تأثیر نیاز به

قدرت، ناگهان رامین را به دلیل نشستن بر تخت شاهنشاهی می‌نکهد و تحقیر می‌کند و با این‌کار او را به شدت از خود می‌رنجاند و می‌راند:

چو پیش ویس شد بر تخت بنشست برافشاند آن بت خندان بر او دست
بگفت از جای شاهنشاه برخیز چو که باشی ز جای مه بپرهیز
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۲۳۱)

این رفتار ویس تاوان سنگینی برای او در پی دارد. او را به درد فراق از یار و جورکشیدن از او دچار می‌کند، فراقی که البته مجالی مناسب برای سراینده داستان در پرداختن به اشعار زیبا و سوزناک فراهم آورده است. در فرجام، ویس بر اثر استقامت بسیار و تلاش‌های فراوان می‌تواند دل رامین را نرم کند و او را به خود بازگرداند.

۳.۷. سرسختی در آشتی با رامین

در طول داستان، ویس ناخودآگاه تحت‌تأثیر نیاز به قدرت رامین را می‌رنجاند و موقعیت را برای گریز او به گوراب فراهم می‌کند، که البته با اظهار پشیمانی ویس، دوباره رامین به مرو بازمی‌گردد و در سرمای سخت زمستان یکراست به دیدار ویس می‌شتابد. ویس با وجود احساس خوشحالی از بازگشت رامین، تحت‌تأثیر احساس نیاز به قدرت، شادمانی‌اش را آشکار نمی‌کند و در دیدار با رامین تعلل می‌ورزد:

ز روزن روی رامین دید چون مهر شکفته شد به جانش در گل مهر
ولیکن صبر کرد و دل فرو داشت بنمود آن تباهی کاندرو داشت
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۳۰۳)

هرچند این تعلل و سرسختی برای ویس نتیجه‌ای ندارد، اما طبق نظریه انتخاب ویلیام گلاسر رفتار انسان بر اثر نیازهای او شکل می‌گیرد. به دنبال برانگیختگی نیازهای درونی، برخی افراد رفتاری در پیش می‌گیرند که سرنوشت آنان را تعیین می‌کند (گلاسر، ۱۹۹۸: ۲۷۹).

ویس در این ملاقات سرد و سوزناک، حتی نگاهش را نیز از رامین دریغ می‌کند و به جای رامین با رخس او به طرزی عتاب‌آمیز و شکوه‌آلود سخن می‌گوید:

سخن با رخس رامین گفت یکسر بدو گفت ای سمند کوه‌پیکر
(همان، ۳۰)

۸. تفریح

یکی دیگر از نیازهای اساسی انسان نیاز به تفریح است تا از این طریق تمایلات روحی و احساسی خود را پاسخ گوید. گلاسر بر آن است که: «تفریح پاداش ژنتیکی یادگیری است. ما وارثان کسانی هستیم که بیشتر یا بهتر آموخته‌اند. این بهتر و بیشتر آموختن به آنان مزیت حفظ بقا و زنده ماندن داده است و به این ترتیب نیاز به تفریح و نشاط در ژن‌های ما جای گرفته است» (گلاسر، ۱۳۹۴: ۸۷). این نشان می‌دهد که افراد همواره آگاهانه به دنبال لذت و تفریح هستند که روابط آنها را نیز می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا با به هم خوردن روابط، نیاز به لذت و تفریح نیز معمولاً کنار گذاشته می‌شود.

تفریح نیز یک نیاز اساسی است که برای دو طرف رابطه اهمیت دارد و به آن معنای زیباتری می‌بخشد و رضایت‌خاطر بیشتری نیز فراهم می‌کند. آنچه بیش از همه لذت‌بخش است این است که رفتار و روابط ما بتواند به خوبی نیازهای ما را برآورده کند؛ همان‌طور که گلاسر معتقد است که انتخاب رفتارهای مسئولانه می‌تواند به زندگی شادتری منجر شود (گلاسر، ۲۰۱۶: ۱۸۶).

در طول داستان، تا پیش از آشنایی ویس با رامین، هیچ رفتاری از ویس در جهت ارضای نیاز به تفریح دیده نمی‌شود. ویس از ازدواج با موبد ناراضی است و این ناراضی خود را در نخستین‌گام با افسرده‌ساختن خود و سرکوب کردن میل به تفریح آشکار می‌کند. تنها پس از آشنایی و برقراری پیوند با رامین نیاز ویس به تفریح و لذت برآورده می‌شود. البته، ویس در ملاقات با رامین مدام از موبد در بیم است و همواره از خشم او می‌گریزد. اما به‌رحال این ملاقات‌ها با رامین، غالباً، با تفریح و نشاط و خنده همراه است:

گاهی می‌در کف و گه دوست در بر نشاط مهر در دل باده در سر
به رامش برده گوی مهربانی به می پرورده شاخ زندگانی
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۹۲)

۹. نتیجه‌گیری

دقت در نحوه نقش‌آفرینی ویس در داستان فخرالدین اسعد گرگانی، با توجه به نظریه انتخاب و انواع نیازهای مطرح‌شده در این نظریه، نشان می‌دهد که تمام رفتارهای ویس و احساس خوشبختی یا بدبختی و فلاکتی که اظهار می‌کند، همگی انتخاب خود اوست. ویس نمونه زنی کنشگر و شخصیتی پویاست که با توجه به نظریه انتخاب گلاسر می‌توان گفت کشمکش‌های او در طول داستان در راستای برآورده‌ساختن نیازها و خواسته‌های درونی‌اش

بوده است. بسیار طبیعی است که دیگران قادر نباشند او را مجبور کنند به شکل خاصی رفتار کند یا انتخاب آنها را بپذیرد. او هرگز موبد را، از آنجاکه اطرافیان بر او تحمیل کرده بودند، انتخاب نکرد و نپذیرفت.

ویس در طول داستان همواره به گونه‌ای رفتار و انتخاب می‌کند که به بهترین نحو نیازهایش را برآورده سازد. در بین انواع نیازها، نیاز او به بقا در جریان داستان از شدت بیشتری برخوردار است. از آنجاکه خانواده ویس، نیازهای ضروری و اولیه او را به خوبی برآورده می‌کنند، پس، به طور طبیعی، بعد از مدتی، با قرار گرفتن در آستانه بلوغ، تحت تأثیر نیاز به بقا و صیانت از ذات، درصدد ارضای نیاز درونی به عشق و تعلق برمی‌آید که در طی داستان با کشمکش‌های بسیار مواجه می‌شود. نیاز او به عشق با باز شدن پای موبد به زندگی‌اش سرکوب می‌شود و نحوه ارضای نیازهای بنیادین از مسیر طبیعی خارج می‌گردد. شاه موبد به دلیل ارضای نیاز شدید خود به قدرت، ویس و نیازهای او را زیر پا می‌نهد، اما ویس، که زنی کنشگر و جرئتمند است، آرام نمی‌نشیند و به هم‌دستی دایه، که گویی حضورش بیشتر برای کمک به ویس در جهت ارضای نیازهایش بوده است، به سرکشی و خیانت علیه موبد اقدام می‌کند؛ بنابراین، از آنجاکه هر انسانی برای دست‌یافتن به آنچه می‌خواهد، رفتارهایش را انتخاب می‌کند، ویس نیز ابتدا با انتخاب رفتارهای روان‌رنجورانه مانند افسرده‌ساختن خود و سپس با انتخاب اعمال هنجارشکنانه، بعد از برآورده‌ساختن نیاز خود به بقا، به سراغ نیازهای دیگر می‌رود و نیاز خود را به عشق و پس از آن آزادی، قدرت و نیاز به پیشرفت، و نیز نیاز به تفریح را، به کمک دایه و در کنار رامین برآورده می‌کند.

منابع

- اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۷۷) *ویس و رامین*. به‌کوشش محمد روشن. تهران: صدای معاصر.
- اسلامی‌ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۷) *جام جهان‌بین*. تهران: توس.
- تاجبخش، اسماعیل و هیوا حسن‌پور (۱۳۹۰) «سبک‌شناسی ده‌نامه ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی». *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب)*. دوره چهارم. شماره ۳: ۱۸۳-۲۰۰.
- خاتون‌آبادی، افسانه (۱۳۷۷) «مضمون عشق و منش قهرمانان در ویس و رامین». *نامه پارسی*. شماره ۱۰: ۳۸-۱۵.

دلخوش‌نواز، هاشم (۱۳۶۹) *روان‌شناسی شخصیت کودک و نوجوان*. تهران: ارون.

دورانت، ویل (۱۳۶۵) *تاریخ تمدن*. ترجمه احمد آرام. جلد ۱. تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی.

شادآرام، علیرضا، محمدرضا نصرافهانی، و غلامحسین شریفی ولدانی (۱۳۸۸) «نقش زنان در دو داستان تریستان و ایزوت و ویس و رامین». *ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه نامۀ فرهنگستان)*. شماره ۲: ۱۳۶-۱۱۹.

شولتز، دوان (۱۳۸۶) *روان‌شناسی کمال*. ترجمه گیتی خوشدل. چاپ چهاردهم. تهران: پیکان.
شولتز، دوان، و سیدنی آلن شولتز (۱۳۹۲) *نظریه‌های شخصیت*. ترجمه یحیی سیدمحمدی. چاپ بیست‌وششم. تهران: ویرایش.

صورتگر، لطفعلی (۱۳۴۸) *منظومه‌های غنایی ایران*. چاپ دوم. تهران: ابن‌سینا.
غنیمی هلال، محمد (۱۳۹۳) *لیلی و مجنون*. ترجمه هادی نظری منظم و ریحانه منصوری. تهران: نی.
فروم، اریک (۱۳۹۴) *هنر عشق‌ورزیدن*. ترجمه پوری سلطانی. چاپ بیست‌وششم. تهران: مروارید.
فروید، آنا (۱۳۸۹) *من و سازوکارهای دفاعی*. ترجمه محمد علی‌خواه. چاپ دوم. تهران: مرکز.
کریستین‌سن، آرتور (۱۳۸۶) *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
کوئن، بروس (۱۳۸۰) *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. چاپ دوازدهم. تهران: سمت.

گلاسر، ویلیام (۱۳۹۴) *تئوری انتخاب*. ترجمه علی صاحبی. چاپ دوازدهم. تهران: سایه سخن.
گلاسر، ویلیام (۱۳۹۵) *واقعیت‌درمانی*. ترجمه علی صاحبی. چاپ چهارم. تهران: سایه سخن.
گلاسر، ویلیام (۱۳۹۶) *چارت تئوری انتخاب*. ترجمه علی صاحبی. چاپ سوم. تهران: سایه سخن.
گلاسر، ویلیام (۱۳۹۷) *تئوری انتخاب (مصور)*. ترجمه علی صاحبی و مهدی اسکندری. تهران: سایه سخن.
گنجی، حمزه (۱۳۸۴) *روان‌شناسی عمومی*. تهران: ساوالان.
مک‌ماهون، سوزانا (۱۳۸۹) *روان‌شناسی لذت عرفانی*. ترجمه جمال هاشمی. چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

می، رولو (۱۳۹۲) *شجاعت خلاقیت*. ترجمه حسین کیانی. تهران: دانژه.
نیکزاد، محمود، و علی‌اکبر مهرآرا (۱۳۷۲) *زمینه‌های راهنمایی و مشاوره در تعلیم و تربیت*. تهران: کیهان.
ووبل‌دینگ، رابرت (۱۳۹۵) *واقعیت‌درمانی برای قرن بیست‌ویکم*. ترجمه علی صاحبی و حسین زیرک. تهران: سایه سخن.

یاوری، حورا (۱۳۷۴) *روانکاو و ادبیات*. تهران: تاریخ ایران.

Glasser, W. (1985) *Choice Theory: A New Explanation of How We Control Our Lives*. New York. Harper & Row.

Glasser, W. (1998) *Choice Theory*. New York: Harper Collins.

Glasser, W. (2016) *Choice theory and the new psychology of personal freedom*. Traslated: Ali Sahebi. Tehran: sayehsokhanpublidher.